



نگارش و ترجمه احمد علی خان کهزاد

فند قستان

از ۱۵ سال با این طرف هیئت حفریات بر طبق مقرراتیکه موجود است در نقاط مختلف مملکت ما کاوش و حفریات نموده اسرار تاریخی و پشت هم اسرار تاریخی هده - بامیدان - پایتاوه - بگرام - نیه مر نجان - کوتل خیرخانه - و بعضی نقاط دیگر کم و بیش مکشوف و نمونه های مدنیت هر دور به موزه کابل قرار گرفته و مقاله ها - راپورت ها - رساله ها و کتب متعددی در هر زمینه از طرف علمای فرانسوی تحریر و تا اندازه مهمی تاریخ این وطن در مجامع علمی رو شنتر گردیده است از یاز سال با این طرف در اثر مدد اوامت عملیات حفریات بعلاوه آثار فوق العاده که از "شهرشاهی" بگرام پیدا شده و از ذکر تفصیل آن در اینجا معذرت می خواهم دو نقطه دیگر هم من بعد در صحائف تاریخی وطن ذکر خواهند شد. این دو جا یکی سیستان است و دیگر فند قستان. چون سیستان منطقه ایست بزرگ و حفریات آن تازه شروع شده عجالتاً از ذکر نتایج آن صرف نظر نموده معلومات ذیل را راجع به فند قستان از راپورتی که موسیو ژوزف هاکن مدیر هیئت اغرامی حفریات فرانسه در افغانستان تازه بشعبه تاریخ انجمن ادبی ارسال نموده اند اقتباس و ترجمه نموده بنظر قارئین گرام می رسانیم :-

کشفیات اتفاقی چندپارچه مجسمه گک‌های بودائی در فندقستان (۱) که بچهار کیلومتری سیاه گردو تقریباً در وسط راه کابل-بامیان واقع است و در باب آنها مقاله در مجله صنایع آسیائی شایع نموده ام (۲) مرا تئریک نمود تا در ۱۹۳۶ برای معاینه محل و تدقیق موقعیت آن بروم. چون اهمیت محل مذکور برایم ثابت شد رایورنی مبنی بر درخواست اجازه حفريات بحضورع، جوالاحضرت سردار محمد نعیم خان وزیر معارف افغانستان تقدیم نموده و در نتیجه یکی از همکاران خود «موسیو کرل» را مامور نمودم که بعد از ختم کارهای مربوطه اش به بگرام؛ حفريات را در فندقستان شروع کند چنانچه این منظور در ماه می ۱۹۳۷ عملی شده و «موسیو کرل» حفريات را در خرابه‌های يك بنای مذهبی با معبد بودائی شروع کرد که بالای تپه‌ی خاکی فراز دره‌ی کوچک فندقستان آباد شده بود. موسیو کرل (۳) حین حفريات خود از آخر ماه می تا اگست

(۱) چون در ماه اکتوبر ۱۹۳۷ وارد پاریس شدم ملاحظه نمودم که سیاح انگلیس «سن» که اسناد او همیشه با کمک زیاد کرده است در ۱۸۳۶ فندقستان را یاد کرده و در باب آن می‌نویسد: «فندقستان در منطقه غوربند به غرب سلسله‌ی بزرگ کوهی واقع است که از هندوکش به قفقاز می‌رود و حد غربی کوه دامن را تشکیل می‌دهد. چند در خود راه غوربند و چند دره‌های کوچک ملحقه آن مخصوصاً در یکی آنها موسوم به فندقستان آثار تاریخی قدیمی زیاد است لذا بادلیل گفته می‌توانیم که مسکوکات قدیمی از اینجا به تعداد زیاد یافت شده و بعضی بر جستگی‌های مهمی در آنجا وجود دارد. لیکن چون محل مذکور را دیده نتوانسته‌ایم راجع بچگونگی آن از حدس و فرضیات احتراز می‌کنیم»

(۲) مجله صنایع آسیائی جلد دهم شکل ۳ صفحه ۱۳۱-۱۳۰ مقاله موسیوها کن راجع به مجسمه گک‌های بودائی که تازه از افغانستان کشف شده ملاحظه شود.

(۳) «موسیو ژاک مونی» بعد از اختتام حفريات خود در «شترک» بگرام (آخر ژوئیه ۱۹۳۷) به فندقستان رفته و به موسیو کرل ملحق شد. راپورت مفصل حفريات فندقستان به جلد ۱۱ خاطره‌های هیئت اعزامی حفريات فرانسه در افغانستان شایع خواهد شد.

۱۹۳۷ عموماً در تخلیه معبدی کار کرد که اطاق آن بزرگ و مربع و سقف آن گنبدی بود و خرابی آن دهن طاقهایی را مسدود نموده بود که عمقاً در دیوارها کنده شده بود - در وسط اطاق معبد استویه به شکل و نمونه کلاسیک وجود داشت. حصص مقابل طاقها با اشکال گل های ماریچی مزین شده بود که بشکل کمانهای ساده

روی پایه ها قرار داشت. روی دیوار های طاق و ته آن و منطقه بین پایه ها و مدخل آنرا تصاویر دیواری مزین نموده بود؛ موسیو کرل پیش از همه به برداشتن یکی از تصاویری شروع نمود که (متر یا) حامل بوتل کوچک را با برگ های ابی (لونس) نشان میدهد اگرچه جنبه تزئیناتی این اثر کمی محدود است اما از نقطه نظر نشانه که با صنعت بودائی قرن ۶ و ۵



ع.ج. عبدالحسین خان وزیر فواید عامه هند بهم میرساند قابل ملاحظه است زیرا

میتوان آنرا سرچشمه الهامات صنایع بودائی ثبت خواند در سایر تصاویر رنگه «فندقستان» واضحاً علائم نفوذ ایرانی نمودار است و این محل یکی از پله های نردبانی است که این رنگ پریده نفوذ را بطرف اشیای مرکزی پیش میبرد. رب النوع مهتاب و آفتاب جنبه ماورای هر کدام هندی صنعت فندقستان را ادا میکند. رب النوع مهتاب که در صورت رنگ پریده خود هاله نور دارد تاجی پوشیده که از اشکال سه ماه نو تشکیل شده که در نوک های هر کدام آن گلها میباشد در گوشه های گوشوارهای مدور بزرگی است که در آن مروارید کار شده. بجانش چین

چپه گر دندارو به پاهایش موزه های پوستی (پلنگ) است اسلحه اش عبارت از يك-پير كو چك مدور و يك شمشير عربض دسته طویل است كه از قبضه آن گرفته است (۱) كرده اگر صورت خراب شده رب النوع آفتاب هاله نور از قرص سرخی تشكيل شده لباس او عبارت از جوشنی است كه از قطعات فلزی تشكيل گر دیده و از كمر بند پایان دنیا له آن بشکل حلقه های مشبك نازك معلوم میشود كه خاصه نجاتی لباسی كه بصورت پیش دامن مدوری (۲) تمام میشود ران های او را پوشانیده است . در پاهایش موزه و اسلحه اش علاوه چماق شمشیری است با دسته دراز و غلاف مزین و دست چپ خود را روی آن گذاشته است . این دورب النوع در جدار راست (نسبت به رب النوع ته طاق) طاق (K) تصویر شده اند تزیینات داخلی طاقها چنین وانمود میکند كه قرار پروگرام واحدی بعمل آمده باشند زیرا تصاویر رنگه و آثار حجاری شده طوری پهلوی هم قرار گرفته كه جدائی بین آنها حس نمی شود و علت آن اینست كه میان این دو سبك تزیینات عواملی قرار داده اند كه با آهنگ مخصوصی تصاویر رنگه و آثار برجسته را همخوان ساخته است چنانچه اینجا اگر روی دیوار های رب النوع های فرعی نیم تنه و باسینه های برجسته نپایش یافته و از زمین هیكل ها نیم تنه شاهان «ماران آبی» (ناگها) سر بلند کرده است (طاق D) طرف دیگر اشكال حجاری شده با اندازه برجستگی خفیفی دارد كه از تصاویر رنگه روی دیوارها چندان فرق نمی شود - هیكل بك (بوویس اتوا) كه مانند شهادت بقیه و آزاد نشسته به بعضی «بوویس اتواهایی» مقام (تین- لونگ- شان) Tin-long-Chan

(۱) كتاب البه و اسلحه ایرانی بالمیر ، شام تالیف موسیو « سر و بك » H. Servig صفحه ۲۸ لوحه ۱۷ ملاحظه شود .

(۲) كتاب آثار عتیقه كوتل خیرخانه تالیف موسیو ژوزف هاكنو « ژان كرل » صفحه ۱۲ شكل B ملاحظه شود .

(چین) شباهت ز باد دارد. روی جدار اطراف راست (طاق C) زنی دراز کشیده و پهلوئی او برده مثلک نما از زبانه و شعله های آتش معلوم می شود. این زن بلا شبهه مادر بچه ایست موسوم «به یوتیسکا» که قرار افسانه های بو دائی؛ بود او را از شعله های مذکور نجات داده است (۱) در نه طاق (E) يك چوره اشخاص غیر روحانی معلوم می شود یکی آن شهزاده ایست که صورت نشستن او بوضعیت شاه با شهزاده شبیه است که روی یکی از زیورات عصر ساسانی ترسیم یافته میباشد و پر و فیسر «سار آنرا شایع کرده است (۲) شهزاده آرنج خود را روی يك عده زبرگوشی ها تکیه داده است. البسه شهزاده فندقستان لباس های مروج آسبای مرکزی و ایران را بخاطر می آرد مشار الیه چین خیلی چسب چپه گردن داری پوشیده که بامدال های بزرگ مزین و حاشیه مرکب از قطار مرواریدی دارد که در آنها اشکال خیلی خیره (پرنده) (صورت انسان) معلوم می شود. موزه های او طویل و بطرف پنجه نوک نیز شده رفته هیکل دیگر، مجسمه خانمی را نشان میدهد که خیلی خود را آرایش داده و از تراکت ها و انبساط سینه ها و سایر اعضای او معلوم می شود که زن هندی باشد.

در زیر جای مجسمه ها ظرفی پیدال شده که در آن بعلاوه خاکستر مسکو کاتی هم گذاشته شده بود. یکی از این مسکو کات مر بوط به خسرو دوم ساسانی (۶۲۷ - ۵۹۰ م) و دیگرها مسکو کات مخلوط مس و نقره ایست که به (ناپکی ها) (قرن ۴ - ۵ م) نسبت می شود.

اهمیت این اکتشافات درین نظریه مضمراست که آثار مکشوفه فندقستان نمونه های اخیر صنعت بودائی است که بقرن ۶ بعد از مسیح نسبت می شود

(۱) کتاب صنعت کریک و بود یک کند ها را جلد اول صفحه ۵۲۸ - ۵۲۵ شکل ۲۵۸ تالیف موسو فوشه ملاحظه شود.

(۲) کتاب صنعت قدیم ایرانی ها «لوحة ۱۱۱ تالیف پروفیسر سار» ملاحظه شود.

و در حالیکه نفوذ صنعت ایرانی در آنها مشرف بر سقوط است نفوذ ذهنی نفوذی نشان میدهد.
 آثاریکه ازینجا بدست آمده چه از نقطه نظر سبک و چه از پهلو ی تخنیک
 (مجسمه ها از گلی قالب گرفته شده که در آن گاه میده باموی و پشم و غیره مخلوط است)
 به نصابر منقوش و آثار حجاری شده آسیای مرکزی از نباط و قرابت دارد (هیئت
 کر یون و لد - فن لو کک - اولندنبورگک - اوتانی - پلیو - ستین - فندقستان محتملاً
 حد جنوبی این سبک مخصوص صنعت بودائی را تشکیل خواهد داد .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی